

نشریه

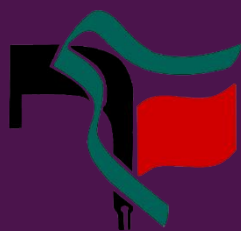
دانشجویی

شماره هفتم

تاریخ: ۱۳۰۰/۰۲/۱۰



دانشگاه مازنیان



۱۲

مدیر مسئول

فردوس منصوری

سر دبیر

مائده دارابی

مسئول تیم طراحی

الهام اسفندیاری

تیم طراحی

سارا فرج دنیوی

یگانه قاسمی

تیم ویراستاری

رومینا رحمتی نژاد

عطیه خراسانی

نویسندگان:

فاطمه سادات جنید

مهديه خراسانی

مریم طهماسبی

رومینا رحمتی نژاد

زهرا داداشی

مائده دارابی

شکیبا رضایی

یگانه نوروزی

ساجده فراهانی

مریم احمدی

آموزه های پیامبر(ص) برای امروز

مبعث جان جهان

معلم متفاوت

۱۳ فروردین

مسیر پیروزی ماندگار

ایرانگرد تلنگر

فناوری هسته ای

نشان آرامش پدر

سینما تلنگر

معرفی کتاب

درویش دوزی

فهرست

حضرت آیت الله خامنه ای درباره ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «ما مسلمان ها بروی شخصیت پیغمبر اکرم (ص) اگر

تمرکز کنیم، دقت کنیم، بخوایم درس بگیریم، برای دین و دنیای ما کافی است.»

بهره مندی از جوانی، یعنی در راه اطاعت الهی حرکت کنید.

پیغمبر اکرم از جوانی از صحابه ی خودشان، خوششان آمد و برای او دعایی کردند و فرمودند: «اللهم امتعہ بشبابہ» یعنی: پروردگارا! او را از جوانی خود بهره مند کن... خطا است اگر خیال کنیم، بهره مندی از جوانی به معنای لذت بردن از شهوات مادی و سرگرمی های جوانی است. در یک بیان دیگری پیغمبر اکرم فرمودند: «ما من شاب یدع لذَّة الدُّنْیا و لهُوہا و اهرمَّ شبَابه فی طَاعَةِ اللّٰهِ اِلَّا اَعْطَاهُ اللّٰهُ اَجْرَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ صَدِیق» یعنی: جوانی که دامن خودش را پاک نگاه می دارد، از شهوات مادی دوری میگزیند، در پیش خدای متعال، اجر هفتاد و دو صديق را دارد. تمتع از جوانی این است که انسان، جوانی را در اطاعت خدا بگذراند. (بیانات در دیدار

دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴)

در چالش های زندگی، دعا به انسان قدرت مقاومت می دهد

دعا به انسان قدرت مقاومت در مقابل چالش های زندگی را می دهد. از نبی مکرم نقل شده است که فرمودند: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يَنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ» یعنی: اسلحه ای را به شما معرفی کنم که مایه ی نجات شماست؛ در مواجهه ی با حوادث، توجه به خدای متعال، مثل سلاح برنده یی در دست انسان مؤمن است؛ لذا در میدان جنگ، پیغمبر مکرم اسلام همه ی کارهای لازم را انجام می داد؛ اما در همان وقت هم، وسط میدان زانو می زد؛ دست به دعا بلند می کرد، با خدای متعال حرف می زد. (بیانات در خطبه های

نماز جمعه ی تهران ۱۳۸۴/۰۷/۲۹)

استغفار کردن؛ کلید در آمرزش الهی است

یک روز، پیامبر به اصحابش این طور فرمودند که: «خدای متعال گناهکاران را می آمرزد؛ مگر آن کسی را که خواسته نیامرزد». بعد اصحاب سؤال می کردند: «قالوا یا رَسولَ اللّٰهِ مَنْ الَّذی یُریدُ أَنْ لَا یُعْفَرَ لَهُ» یعنی: آن کسی که خدای متعال می خواهد او را نیامرزد، کیست؟ پیامبر گفتند: «آن کسی که استغفار نمی کند». پس، استغفار کلید در توبه و مغفرت است. با استغفار، می شود آمرزش الهی را به دست آورد. استغفار، اینقدر اهمیت دارد. (بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸)

امت محمدی در هیچ حادثه ای ناامید نمی شود.

اینکه پیغمبر می فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ» ناظر به همه ی مشکلاتی است که، برای زندگی انسان پیش می آید. انسان در مواجهه ی با این مشکلات نباید مأیوس بشود؛ باید بداند که فرج خواهد آمد... اینکه پیغمبر و ائمه، این طور فرمودند، معنایش این است که امت محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، در هیچ حادثه ای از حوادث زندگی دچار یأس و ناامیدی نمی شوند و همیشه و در همه حال انتظار فرج دارند. انتظار به معنای آماده شدن است، به معنای این است که انسان احساس کند عاقبتی وجود دارد که می شود به آن دست یافت و برای رسیدن به آن عاقبت، باید تلاش کند. (سخنرانی تلویزیونی به مناسبت

ولادت حضرت امام زمان (عج) ۱۳۹۹/۰۱/۲۱)

بدون پیشرفت علمی، جامعه نمی تواند آرمان هایش

را مطرح کند.

شما ببینید چه زمانی در آغاز پیدایش اسلام گفته شد که «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ يَا مُؤْمِنُ وَمُؤْمِنَةٌ» یعنی: همان وقتی که نماز و زکات و این چیزها آمد، طلب العلم هم آمد؛ «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ...» مثل این است که انسان حرف حقی داشته باشد؛ اما اصلاً زبان گفتنش را نداشته باشد. نداشتن

علم، این طوری است. علم موجب می شود که شما بتوانید آن آرمان ها، اهداف و خط روشن و جاده ی روشن صراط مستقیمی را که در دست و اختیار شما است، مطرح کنید و افراد بیشتری را از بشریت، به آن هدایت کنید. (بیانات در دیدار رئیس

جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶)

کاری که به عهده گرفته اید، متن انجام دهید.

توصیه ی ما به همه این است که، آن کاری را که محول به آنها است، با شوق و با علاقه، قدر بدانند، ارج بنهند، اهمیت بدهند و کار را درست انجام بدهند. مکرر این گفته ی پیامبر عظیم الشان را عرض کردیم که فرمود: «رَحِمَ اللّٰهُ إِمْرَأً عَمِلَ عَمَلًا فَأَتَقَنَّهُ» رحمت خدا بر آن انسانی که کاری را به دست می گیرد و آن را متن و درست و کامل انجام می دهد. این در مورد من، شما، یکایک افراد کارگر، معلم، پرستار و سایر مشاغل و حرفه ها و مسئولیت ها صادق است. (بیانات در دیدار

جمعی از معلمان و پرستاران و کارگران ۱۳۸۸/۰۲/۰۹)



معیت حان جهان

مهدیه خراسانی
آموزش کودکان استثنایی ۹۷

چه ماه فرخنده‌ای است رجب!
که سحرگاه آن، محمد، نبی مسلمین شد؛

حرا، آن شب ز خورشید روشن‌تر بود
صدایی دلنشین، نخستین آیات الهی را بر رسول مهربانی نازل نمود

بخوان! بخوان به نام پروردگارت که بیافرید، آدمی را از لخته‌ی خونی آفرید.

بخوان که پروردگار تو ارجمندترین است؛

همان کس که با قلم آموخت، به آدمی آنچه را که نمی‌دانست.

در روزگارانی که تازیانه‌های ستمگران، محبت را ز چشمان مردمان دریغ نمود؛

ناامیدی بردگان، نخستین گام‌هایی بود در مسیر زندگیشان، برای نابود ساختن
تدریجی جسم و روحشان؛

گورستان‌ها، تن جان‌دار دختران بی‌گناه را پذیرا و فرهنگشان جاهلیت را...

دگر زمان آن فرا رسیده‌است که در این‌دنیای غم‌زده، کسی باشد که مردمان را به
مجرای عشق الهی بگرداند تا باز، نور الهی بر زندگی اسیران ظلمت تابانده‌شود؛

آری! بعثتش نویدی بود بر جهانیان.

باری تعالی، رسولش را در وهله‌ای فرستاد که قطع رسالت‌های آسمانی و وحی الهی
سالیان زیادی به درازا کشیده‌بود.

بار دگر گلستان رسالت به بار نشست و محمد آینه‌ی شکوه کلام اسلام گشت.

معلم متفاوت

مریم طهماسبی
آموزش کودکان استثنایی ۹۹

کن؛ یا نه دوست من! در کنار معلم بودندت خلبان باش، اوج بگیر و به دانش آموزانت اوج گرفتن را بیاموز و آنها را به مقصد برسان؛ یا نه، شهردار باش، شهردار کلاس.

و یک معلم همه چیز است، او الگوست برای رساندن هر دانش آموز به آرزوهای زیبایش. کارخانه‌ای نساز که تنها ملاکش یک عدد باشد، یکسری اعداد و ارقام فراموش شدنی. مهندسی باش برای ساختن، انسان بساز، دانایی بساز، محبت بساز، احترام بساز. دکتری باش برای مرهم گذاشتن بر زخم‌های نادانی، پوچی و خاموشی. عکاس باش و هرکس را آنگونه که هست ببین و بپذیر؛ هیچ دو انسانی مانند هم نیستند. به دانش آموزانت بیاموز از شکست نهراسند، موفقیت در قلب آنهاست؛ هدف را در وجود خود دنبال کنند. آنها باید یادکنند از معلمی که یک دوست بود؛ دوستی مهربان، پرتلاش، شاداب و دانا.

راستش را بخواهی بدانی؛ حالمان این روزها اصلاً خوب نیست!

حال و احوالمان مه‌آلود است؛ کلاس‌های درسمان مانند: کارخانه‌ای هستند که هرکس وارد آن شد و درسی خواند، آخرش باید امتحانی بدهد و برود.

کلاس‌هایمان پر شده از امتحان‌ها و خواندنی‌های تکراری و نه آموختن و درک کردن.

هر انسانی حق دارد لمس کند، با تمام وجودش درس‌ها را لمس کند، در خیال پر فراز و نشیبش به دنیای کوچک کتاب‌ها برود؛ دنیایی که اسراری دارد پر از اعجاب و شگفتی.

برای یک معلم راهی پیش روست، راهی که در آن آموزش و آموختن با هم آمیخته‌است؛ معلم، هم یادمی‌گیرد و هم، یادمی‌دهد.

برای معلم، هر لحظه فرصتی است برای تربیت شدن، تربیت شدن قبل از تربیت کردن. تصورش را بکن اگر هر معلمی قبل از رفتن به کلاس،

(یادگیری) را در اولویت می‌گذاشت و نه نمره را. چقدر خوب می‌شد، چقدر خوب می‌شد که درک می‌کرد هر انسانی خود یک کتاب است، کتابی

بسیار عمیق‌تر و وسیع‌تر از تمام کتاب‌های درسی؛

برای هر معلمی خواندن این کتاب، چنان

اسرارآمیز است که نمی‌توان آن را در کلمات

توصیف کرد. قبل از تربیت هر انسانی، نیمکت

تربیت‌شده باشی. کلاس کافی نیست، امتحان

کافی نیست، باید تربیت هم باشد و چه بسا ابتدا

باید خود تربیت‌شده باشی. تو مسئول هستی، تو

در برابر نهال‌های کاشته شده، مسئول هستی.

در کنار معلم بودندت، باغبان باش و نادانی‌ها را

ریشه‌کن، کن و با دانسته‌هایت، زمین را آبیاری



۱۳ فروردین؛ روز رویارویی انسان با طبیعت

ادامه‌ی حیات، به آن وابسته است و هرگونه تخریب و ایجاد آلودگی در آن بر کیفیت و چرخه‌ی طبیعی اثرمی گذارد.

تخریب و آلودگی محیط زیست، اثرات زیانباری برای زندگی انسان، حیوان و گیاه دارد و در این میان نقش انسان در ایجاد آلودگی‌های محیط زیست، بسیار چشمگیر است.

اما گردشگران و طبیعت گردان می‌بایست، ضمن بهره‌مندی از این موهبت‌های الهی و ارزش‌های خدادادی، با رعایت اخلاق طبیعت گردی و توجه به توصیه‌های زیست‌محیطی به‌ویژه در سیزدهمین روز از فروردین (روز طبیعت)، در حفظ و حراست طبیعت و محیط زیست تلاش کنند.

گل، هویت بهار است و بهار آیینی قیامت؛ در این آیین خود را تماشا کنیم ...

آمیختن طبیعی رنگ‌ها، چون پیوند عاشقانه انسان‌ها زیباست.

رنگ آبی، رنگ خاکی را در آغوش می‌گیرد؛ چنانکه آسمان زمین را...

و از این پیوند، درخت، سبزه، گل، گیاه، دریاچه و جویبار پدیدمی‌آید.

نقاش، همچون باد، بر رنگ‌های گزیده خویش می‌وزد؛ و از این‌وزش بر دریای کوچک رنگ، موج‌ها و حباب‌ها پدیدمی‌آید.

چنانکه در طبیعت، نقاش، نقطه‌ای از رنگ را همچون موج، وسعت می‌دهد و چشمی پدیدار می‌شود؛ چشمی بر آسمان کویر، چشمی در زیر زمین، چشمی بر لب دریا و یا چشمی که چون خورشید از زمین می‌روید.

از مهمترین رسوم مشترک در میان اقوام ایرانی، جشن بدرقه‌ی نوروز است؛ که طی سال‌های اخیر روز آشتی با طبیعت نیز تلقی می‌شود.

ایرانیان از گذشته‌های دور، با آغاز بهار و ورود به سال جدید و پس از چند روز تبریک سال نو؛ گویا برای تکمیل شادی خود و دور کردن غم، غصه و خمودگی، در روز سیزدهم فروردین ماه، از خانه بیرون آمده و به دامان طبیعت می‌روند تا رایحه‌ی بهاری را با تمام وجود استشمام کنند؛ اما دغدغه‌ی اصلی، این است که در روزی که به نام طبیعت نام‌گذاری شده، تا چه حد توانسته‌ایم هم‌زیستی خوبی با طبیعت داشته باشیم؟

طبیعت و محیط زیست، موهبتی خدادادی است که از مجموعه‌ی موجودات، منابع و عوامل هماهنگی تشکیل شده‌است و در اطراف هر موجود زنده وجود دارد و



«مسیر پیروزی ماندگار»

تو یک آدم مهمی، یک شخصیت استثنایی؛ تو بزرگ فکر می‌کنی، پس رویاهای بزرگ داشته‌باش. تو توانایی زیادی برای انجام موفقیت‌آمیز کارها داری؛ به خوشحالی، پیشرفت و موفقیت ایمان داری، پس فقط از خوشحالی بگو، فقط از پیشرفت بگو، فقط از موفقیت بگو.

تو انگیزه‌ی خیلی زیادی داری، انگیزه‌ها را در مسیر کار بینداز؛ هیچ چیز نمی‌تواند، تو را متوقف کند. تو، به انجام هرکاری، اراده‌کنی می‌توانی آن را انجام دهی. دیروز حسابی گل کاشتی؛ ولی امروز می‌خواهی، بیشتر گل بکاری (منظور به هدف زدن است) حالا این تو و این هدف برو جلو.

نکته : این جملات را حفظ کن و با خودت تکرار کن، این تکرارها جلوی آینه، قدرت بیشتری به تو می‌دهد؛ سعی کن اسم خودت را اول جمله‌ها بگذاری، تا این جملات انرژی‌بخش بهتر به ذهنت نفوذ کند.

یادگرفتم که پیروزی، در قبول نکردن شکست (ناامید نشدن و ادامه دادن) هست و هر شکست، یک پله است در راه اوج گرفتن و رسیدن به هدف. دقیقاً توانایی افراد خیلی قدرتمند و موفق در همین مورد است؛ یعنی طرز فکر شکست‌ناپذیر دارند؛ پس تو هم باید به این طرز فکر بررسی. اولاً نترس و هرچی از زندگی می‌خواهی طلب کن. دوماً یادت باشد اجازه‌دهی که دیگران برای زندگی تو تصمیم بگیرند؛ شجاع باش و مقابل زورگوهای زندگی بایست. بگذار بفهمند که نمی‌توانند؛ تو را اذیت کنند.

وقتی با کسی رقابت می‌کنید، فکر کنید و به خودتان بگویید: من در ردیف بهترین‌ها هستم، نه اینکه من کجا و این آدم‌های موفق کجا! اجازه بدهید افکارشان تحت نفوذ این شعار باشد (پیروز خواهیم شد). تفکری که حول موفقیت چرخ بزند، باعث موفقیت می‌شود. به خودتان یادآوری کنید که از چیزی که تصوری کنید بهتر هستید. انسان‌های موفق به هیچ وجه خارق‌العاده نیستند. موفقیت، مستلزم هوش برتر نیست. افراد موفق، آدم‌های معمولی هستند که از اعتماد به نفس و ایمان بیشتری برخوردارند. سعی کنید با افراد موفق صحبت کنید؛ با افراد موفق، پرانرژی و سر زنده، دوست شوید. با آن‌ها گفتگو کنید، حرف‌زدن، بخش بزرگی از محیط روانی ما را تشکیل می‌دهد. گفت‌وگوهای این‌طوری به شما انگیزه‌ی چند برابر می‌دهد.

اگر دوست دارید موفق باشید و موفق باقی بمانید، باید با تمرکز بالا، سخت تلاش کنید. بهتر شدن کار سختی است و هزاران بار تمرین و تلاش می‌خواهد. یادتان باشد؛ به جای این‌که حواستان را به موارد منفی دهید، به اهداف و تمام چیزهای خوبی که در زندگی دوست دارید که به دست آورید، متمرکز باقی بمانید. کارها را نیمه‌تمام نگذارید. استراحت کردن در زمان اوج گرفتن، جایز نیست. اگر اجازه دهید که پیروزی حواستان را از کار پرت کند؛ مطمئن باشید که دارید بذر شکست را در باغچه‌ی زندگی می‌کارید.

فاطمه سادات جنید

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی (ورودی ۹۷)



از بین این همه جاذبه‌ی خوب و دیدنی کشورمان، این ماه تصمیم گرفتیم به معرفی شهر یزد، شهری که برای خیلی ها، از اقصی نقاط جهان شناخته شده هست و کمتر کسی با زیبایی و اصالتش نا آشناست، بپردازم.

حالا چرا؟

یزد تنها شهر ایران است که در فهرست سازمان جهانی میراث فرهنگی یونسکو به ثبت رسیده است.

بادگیرهای جالب یزد، باعث متمایز شدنش از بقیه‌ی شهرها شده است. مردم این شهر هم، با ارزش خاصی که برای طبیعت و آب و هوا قائل اند، از دوچرخه استفاده می کنند و این مسئله کاملاً روی زندگی و موفقیت آنها، تاثیر مستقیم گذاشته است.

یکی از جاذبه های خوب این شهر، **میدان امیرچخماق** است که نقطه‌ی مرکزی و اصلی شهر به شمار می رود و یک بنای تاریخی در قلب خودش پنهان کرده و برای دوره‌ی تیموریان می باشد. **باغ دولت آباد** هم، از دیگر اماکن جالب توجه است که نمای شب های این باغ، بی نهایت دیدنی است.

دیگر محله‌ی تاریخی و ناب، با کلی یادگار، **محله‌ی زرتشتی ها** نام دارد که اتفاقاً مخصوص زرتشتیان است و یک مکان ساده و معمولی نیست چرا که هر تکه اش قصه و فلسفه‌ای برای روایت دارد.

مسجد جامع یزد هم با مناره های بسیار بلندش، در این شهر خودنمایی می کند و نقش و نگار های زیبا و آبی رنگ در هر قسمتش را به رخ بیننده ها می کشد. از جاذبه‌ی طبیعی یزد هم می توان به **کویر دروازه قرآن** اشاره کرد که در ورودی شهر واقع شده است.

بخش خوشمزه‌ی شهر یزد با کلی شیرینی های مختلف مثل: باقلوا، لوز پسته، کیک یزدی، کیک تخته‌ای، نان برنجی، پشمک، قطاب، نان پنجره‌ای و سوهان آردی است که هر گردشگری را به خودش جذب می کند.

از **سوغاتی های خوب** این شهر هم که شامل ترمه، زیراندازهای دست بافت مخصوص، چادرشب، شمد و طلا می باشد؛ هم نباید غافل شد. امیدوارم بعد از تمام شدن کرونا بتوانیم به این شهر زیبا و با ارزشمان سفر کنیم و

زهرا داداشی

آموزش زبان انگلیسی ۹۸

روز فناوری هسته‌ای

در طبیعت مواد مختلفی وجود دارند که از آن‌ها پرتوهایی گسیل می‌شود و دارای کاربردهای فراوانی از جمله در صنعت کشاورزی، دامپروری و... است. از جمله مواد رادیواکتیو اورانیوم است؛ حتماً تا به حال واژه‌ی «غنی‌سازی اورانیوم» را شنیده‌اید.

اورانیوم ۴ ایزوتوپ دارد (شکل‌های مختلفی که بعضی عناصر در طبیعت دارند و برخی از آن‌ها پایدار و برخی دیگر ناپایدارند). از میان این‌ها فقط دو ایزوتوپ به نام‌های اورانیوم ۲۳۵ و ۲۳۸ به دلیل نیمه عمر بالا (توانایی باقی ماندن در محیط) در طبیعت وجود دارند.

در نیروگاه‌ها به دلایل مختلف علمی، از اورانیوم ۲۳۵ استفاده شده که برای کاربرد بهتر باید درصد خلوص افزایش یابد؛ به این فرآیند غنی‌سازی اورانیوم می‌گویند.

در ادامه به بخشی از کاربردهای فناوری هسته‌ای اشاره می‌کنیم.

در بخش دامپزشکی و دامپروری: تشخیص و درمان بیماری‌های دامی، اصلاح نژاد و دام، ایمن‌سازی محصولات و خوراک دام.

در بخش کشاورزی: اصلاح نژاد گیاهان، افزایش طول مدت نگهداری بذرها، از بین بردن ویروس‌ها و میکروب‌هایی که به گیاهان حمله می‌کنند.

در زمینه‌ی دسترسی به منابع آبی: شناخت سفره‌های آب زیرزمینی، کشف نشستی

سدها و همچنین شیرین کردن آب شور.

البته فناوری هسته‌ای در عرصه‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد و نمونه‌های مطرح شده مواردی است که در اکثر کشورهای در حال توسعه اجرایی شود.

با استناد به مقاله‌ی «کاربردهای فناوری هسته‌ای در علوم کشاورزی» از آقایان: حیدر ایزد نشان و رضا بازرگان لاری

مآخذ دارایی

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی (ورودی ۹۶)

در ابتدا برای شناخت بهتر مفهوم فناوری هسته‌ای، لازم است با برخی تعاریف آشنا شویم.

منشا شکل‌گیری فناوری هسته‌ای مواد رادیواکتیو هستند که علم شیمی مفصل به شناخت این مواد پرداخته‌است و جدولی به نام "جدول تناوبی عناصر" نشان‌دهنده‌ی کنجکاو‌های بشر از گذشته تا به امروز است.

این جدول اولین بار در سال ۱۸۶۹، توسط مندلیف تهیه شد؛ که جای چند عنصر با ویژگی‌های پیش‌بینی‌شده توسط او، خالی بود و بعدها کشف شد. درباره‌ی این جدول و چگونگی طبقه‌بندی عناصر، مطالب بسیاری می‌توان گفت که علاوه‌بر تخصصی شدن، از حوصله‌ی بحث ما نیز خارج است.

با این حال باید بدانیم شیمی، علمی گسترده و در عین حال پیچیده

است؛ به شکلی که با گذشت

این سال‌ها هنوز هم که هنوز

است انسان به درستی، آگاه از

دنایای پیرامون خود نیست و

نمی‌داند هنوز چند عنصر و

با چه ویژگی‌های منحصر

به فردی، برای کشف وجود

دارند؟

شیمی، گاه در خدمت بشریت

بوده و در راستای اهداف

صلح‌آمیز به کار گرفته‌شده و گاه به پدیده‌ای

رعب‌برانگیز مبدل می‌شود که حوادثی چون

انفجار هیروشیما را به بار می‌آورد که با گذشت

چندین نسل، همچنان آثار نامطلوب مواد رادیواکتیو

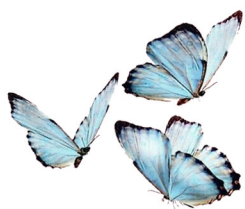
در آنان دیده می‌شود.

اما بحث اصلی این مطلب:

ماده‌ی رادیواکتیو چیست؟

علم علم بر زمین نمی‌ماند

Flag of science don't remain on the land



نشان آرامش

می‌گوید: "پدر" تا گفته شود ستاره‌ی درخشان زندگی هستی. شرح داستان پدر، همچون حماسه‌ای است که بارها و بارها در ذهنم همچون شجاعت و غیرت تداعی می‌شود؛ که هیچ ستاره‌ای نمی‌تواند به درخشانی او در آسمان هفتم باشد. پدر! ای روشنائی نگاهم! دلم می‌خواست چند صباحی از عالم بزرگسالی کوچ کنم و به دنیای کودکی برگردم تا دوباره برایم تداعی شود، آن دستان گرم و پر مهرت که عاشقانه دو دست کوچک مرا می‌گرفت و رسم چگونه قدم برداشتن در زمین را می‌آموخت؛ تا اینک بتوانم در مسیر ناهموار زندگی گام نهم و با نگاه گیرای تو مسیر را برای خود هموار سازم. در عالم کودکی گمان می‌کردم چون نام پدر بر تو نهاده شده است این چنین آسوده‌دل گشته‌ای، که ناگهان چشمانم

به دستان پینه‌بسته‌ی تو افتاد و به یکباره تمام آنچه که از آسودگی تو تصویری کردم باطل گشت؛ چرا که تو بی‌آنکه لب به شکایت گشایی عاشقانه خود را وقف آسودگی من کردی تا جهان برایم معنای دیگری جز آرامش نداشته باشد و خوشبختی خود را در پس خنده‌های من می‌دانستی و ذره ذره‌ی وجودت را فدای من کردی تا رسم زندگی را جز شادی بی‌انتها، دیگر هیچ ندانم.

اینک به شکرانه‌ی نام امام علی (ع) فریادرس یتیمان و یاور ضعیفان، زمان آن رسیده است که امروز را روز تو! ای کسی که عاشقانه یاور زندگی من شدی! بدانم و خطاب به تو بگویم: چشمان خندان تو گرمای وجود من شد. ای پدر! ای ستاره‌ی درخشان اوج هستی! «روزت مبارک».

شکیبا رضایی
دانشجوی کارشناسی آموزش
ابتدایی (ورودی ۹۷)

به دنبال آرامش می‌گشتم، نشانی آن را در نگاه پدر یافتم. دل به چشمان او دادم تا ببینم با آن نگاه نافذش، چگونه می‌تواند مرهمی برای قلب ویران من باشد. هنگامی که چشمان سرد و بی‌روح خود را به چشمان پدر دوختم؛ گویی کنار گرمای آتش هیزمی قرار گرفته بودم که آرام آرام وجود مرا از شعله‌ی آتشین گرمای محبت خویش سرشار می‌کرد. چند لحظه‌ای نگذشته بود که، به خود آمدم و دیدم چنان در نگاه پدر غرق شده بودم که دیگر نشانی از چشمان خسته خود نیافتم؛ گویی هیچ دل آشوبی در من نبود و هرچه که بود دلی بود به آرامی دریای زلال که ترسی از خروش امواج بی‌سامان نداشت. من در آن چشمان گرم و پرمهر، به دنبال آرامش گشتم؛ اما فرای آنچه که طلب کرده بودم دریافت کردم؛ تا اینک، فارغ از هر آشوب و خیال ناامن بتوانم با

آسودگی در ساحل امن چشمان او لبخند بزنم. پدر! تو چه عاشقانه در کنار من ماندی تا نظاره‌گر شاد زیستن من باشی، تا مبادا سختی روزگار در چشمان من همچون صاعقه‌ای نمایان شود و در وجود من رخنه‌اندازد. افسوس! تو از روزهای خوش خود گذشتی تا مرا آسوده‌دل بینی.

نام تو همچون ترانه زیباست، که با هر ساز دلنشین آن، موسیقی جدیدی برای آهنگین‌تر شدن زندگی من نو آخته می‌شود و چنان متحیر خوش‌وزن بودن نام تو می‌شوم که شرح حالم همچون قاصدکی می‌شود که رقصان سر از آسمان بی‌کران در می‌آورد و تبدیل به ستاره‌ی خوش‌یمن می‌شود؛ که در آن هنگام لب به سخن می‌گشاید و زمزمه می‌کند: "پدر" تا در زمین شنیده شود درخشانی، می‌نویسد: "پدر" تا خوانده شود پرنوری و



DANGAL

دنگال



و بعد از آن به خانه‌داری و بچه‌داری مشغول می‌شوند؛ ماهویر به گیتا و بابیتا یاد می‌دهد که جای آن‌ها در آشپزخانه نیست و آن‌ها می‌توانند در هر جایگاهی که بخواهند، بدرخشند.

پدر فداکار، تمام حرف‌های مردم، سختی‌ها و مشکلات مالی را تحمل می‌کند تا دخترانش را به ثمر برساند و در نهایت، گیتا و بابیتا، پدرشان و کشورشان را سرافراز می‌کنند.

در مسیر فیلم نکات ریز و درشتی برای جذب مخاطب گنجانده شده است.

فیلم دنگال بحران تبعیض جنسیتی را نقد کرده است و این تفکر که زنان از مردان ضعیف‌تر هستند را رد می‌کند. دنگال نشان می‌دهد که، دختران، با تلاش و پشتکار می‌توانند حتی در ورزش کشتی؛ پسران را شکست دهند و امیدوارانه در جستجوی آن روزی است که مردان و زنان با فرصت‌های برابر، توانایی و قابلیت‌های خود را شکوفا کنند.

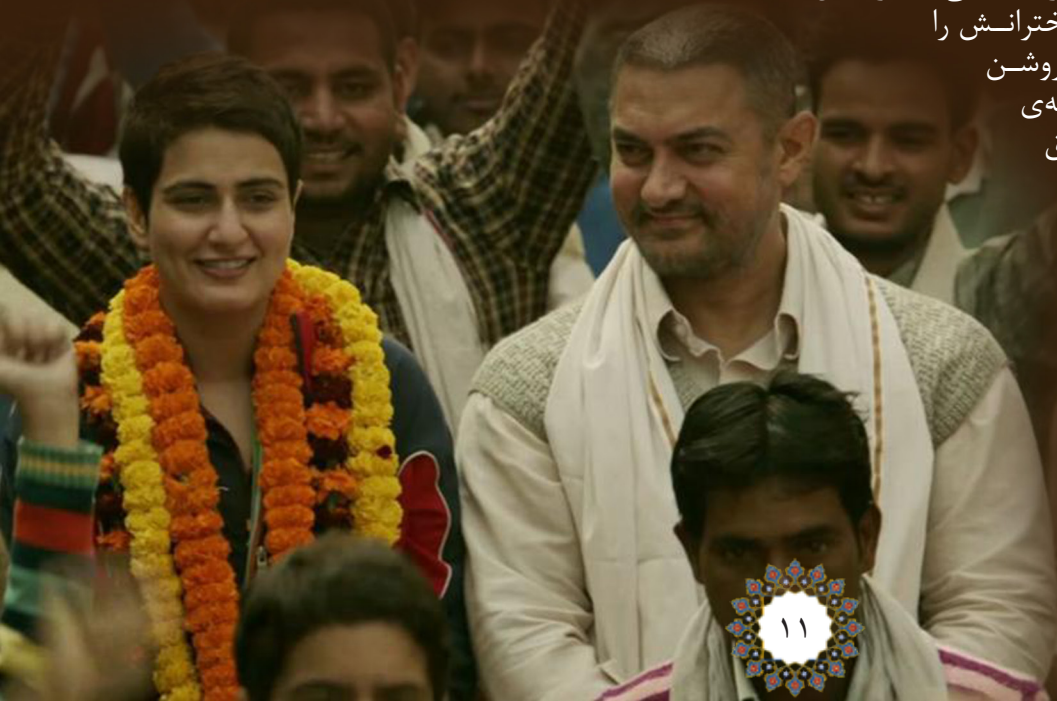
یگانه نوروزی

دانشجوی آموزش ابتدایی ورودی ۹۷

این روزها کمتر فیلمی پیدا می‌شود که زمان طولانی داشته باشد و خسته‌کننده هم نباشد؛ اما این محصول سینمایی هندوستان، جذاب‌تر و نفس‌گیرتر از آن است که بتوانید حتی لحظه‌ای از آن چشم بردارید. فیلم (دنگال) با کارگردانی (نیتش تیواری) و بازی (عامر خان)، پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای هند است. فیلمنامه دنگال برگرفته از زندگی ماهویرسینگ پوگات یعنی: شخصیت اصلی فیلم است. ماهویرسینگ پوگات کشتی‌گیر سابق تیم ملی هندوستان، به دلیل مشکلات مالی در حالی که نتوانسته برای کشورش مدال طلا بگیرد، مجبور می‌شود از تشک کشتی خداحافظی کند. (وقتی تو بشقاب یه لقمه غذا نداری، می‌خواهی چی بخوری؟ مدال بخوری؟)

حالا ماهویر که خودش نتوانسته برای کشورش طلا بگیرد؛ آرزو دارد بعد از به دنیا آمدن پسرش راه و رسم کشتی را به او بیاموزد؛ اما مشکل بعدی هم اینجاست که او صاحب ۴ فرزند دختر می‌شود و در نهایت قید رویایش را می‌زند. در زمانی که ماهویر نامیده شده است؛ در دعوی دو دختر بزرگ‌ترش (گیتا و بابیتا) با چند پسر، متوجهی قدرت بدنی دخترانش می‌شود. ماهویر به جای این که دخترانش را

سرزنش کند؛ نور آمیدی در دلش روشن می‌شود. همان‌طور که یک شاخه‌ی نازک هم به آدمی که در حال غرق شدن است، امید می‌دهد. او جارو را از دست دخترانش می‌گیرد و آن‌ها را از آشپزخانه بیرون می‌کشد و وادار می‌کند به تمرین‌های سخت و طولانی مدت کشتی و تمام موانع را از سر راه دخترانش برمی‌دارد. در روستای کوچکی که دختران تا سن ۱۴ سالگی ازدواج می‌کنند



این کتاب، سیلی دنیا است تا بیدار شوی و توانایی‌هایت را کشف کنی،
خودت را به فنا ندهی و بهترین خودت در زندگی، باشی.

معرفی کتاب

این کتاب بخشی از اظهار نظرهای شخصی نویسنده، (گری جان بیشاپ)،
درباره‌ی اختیار داشتن، زندگی‌بخشیدن، متعالی‌بودن و جسارت داشتن
است؛ که به شما یاد می‌دهد که چگونه با عمل درست، زندگی خود را
هر روز بهتر از روز قبل کنید.
این کتاب در صدر لیست پرفروش‌ترین‌های نیویورک تایمز بوده است.

درباره‌ی نویسنده:

گری جان بیشاپ، سخنران انگیزشی، متخصص علوم خودپروری و نویسنده‌ای اسکاتلندی است.
بیشاپ در گلاسگو به دنیا آمد. او خیلی زود به مباحث خودپروری و تدریس آن‌ها علاقه‌مند شد و در این زمینه به
فعالیت پرداخت.
بیشاپ اکنون یکی از شناخته‌شده‌ترین مربیان خودپروری اروپا است.

برشی از متن کتاب:

«تمام مدتی که درگیر بگو مگو و قضاوت‌های درونی هستی، که البته هیچ وقت هم متوقف نخواهند شد. صدایی
آرام زیر گوش تو زمزمه می‌کند:

(خیلی تنبل و خرفتی و اصلاً به درد هیچ کاری نمیخوری.)

تو حتی متوجه نیستی چقدر به این زمزمه اعتقاد داری یا چه اندازه تباخت می‌کند. تو فقط تمام روز کار می‌کنی تا
بر استرس‌ها و فشارهای روحیات چیره شوی. زندگی‌ات را نجات دهی و اگر نتوانی چرخ لعنتی زندگی را
بچرخانی، تن به تسلیم می‌دهی و شاید هرگز به جایی که
گاه به آن شادی، شغل یا ارتباطی که آرزویش
را داری نرسی. شاید هیچ

این کتاب به کسانی اختصاص دارد که تجربه کرده‌اند. جریان بی‌پایان شک و
گند می‌کشد.

خودت را

به فنا نده

ساجده فراهانی

ادبیات ۹۷

کمتر فکر کن و دل به زندگی بده

نویسنده: گری جان بیشاپ | گویش: غدری | مترجم: حسین گازر

درویش دوزک

تفرش دوزی یا سوزن دوزی

درویشی دوزی، هنری ظریف و زیبا و از رودوزی‌های سنتی ایران است که توسط سوزن انجام می‌شود.

در گذشته، درویش دوزی در شهرهای قزوین، مشهد، گناباد، سنندج و اراک رایج بوده است؛ اما مرکز آن، شهرستان تفرش بوده و به همین دلیل به آن تفرش دوزی می‌گویند. به عبارتی دیگر، می‌توان گفت: شهرستان تفرش، زادگاه این هنر چشم‌نواز است. پارچه‌ای که برای درویش دوزی مورد استفاده قرار می‌گیرد باید پارچه‌ای با بافت ساده (به صورت تار - پودی) باشد؛ زیرا دوخت درویش مشروط بر شمردن این‌تار و پودها و ایجاد شلال‌های کوچک، بر روی پارچه است.

پارچه‌ی گونی بافت، پارچه‌ای است که، اغلب برای این‌هنر استفاده می‌شود. از این‌هنر برای تولید و تزئین بقچه، جانمازی، سجاده، رویه کوسن، رویه کرسی، ماتتو، رومیزی (در ابعاد مختلف)، پرده، چادرشب و... استفاده می‌شود.

ابزار کار درویش دوزی

نخ: اغلب از نخ عمامه (مارک‌های دمسه و دومینو) و گاهی از نخ‌های ابریشم استفاده می‌شود.

سوزن: سوزن ساده با طول متوسط
کاغذ شطرنجی: برای انتقال طرح، بر روی آن و سپس روی پارچه

قیچی

پارچه

انگشتانه

مراحل کار:

دوخت درویش، بسیار ساده است و فقط از شلال‌های کوچک تشکیل شده است.

برای دوخت تفرشی، ابتدا طرح مورد نظر را (طرح‌ها کاملاً ذهنی است) بر روی کاغذ شطرنجی رسم می‌کنیم.

برای این کار باید عدد زوجی را انتخاب کنیم؛ (مثلاً: عدد ۶) سپس برای رسم خطوط افقی به صورت زیر عمل می‌کنیم:

در ردیف اول، یکی در میان خط‌های کوچک می‌گذاریم و ردیف دوم و سوم را عکس یکدیگر قرار می‌دهیم. (ردیف سوم عکس ردیف دوم) چون عدد انتخابی ما ۶ است، پس ردیف سوم و چهارم را شبیه هم می‌گذاریم (اگر ۸ را انتخاب می‌کردیم باید ردیف چهار و پنج شبیه به هم می‌شد)

برای رسم خطوط عمودی نیز به همین شکل، تکرار می‌کنیم و اگر می‌خواهیم طرحمان را ادامه بدهیم باید در ردیف عمودی،

پایان عدد مورد نظر را دوباره تکرار کنیم؛ (مثلاً: ۴/۵/۶/۶/۵/۴ و...) (۴ تار و پود مناسب است) شلال‌های ظریفی را توسط نخ‌های

رنگین، بر روی پارچه ایجاد می‌کنیم. در سفر به شهرستان تفرش، بازدید از مراکز تولید و فروش تفرش دوزی را فراموش نکنید.